

## محاكمه مرتكبان نقض حق بر سلامت در دادگاه افكار عمومي مونسانتو

شهرام ابراهيمي\*

استاديار بخش حقوق جزا و جرم‌شناسي دانشگاه شيراز

سيروس حيدري (heidaris@shirazu.ac.ir)

استاديار بخش حقوق خصوصي و اسلامي دانشگاه شيراز

(تاريخ دريافت ۱۳۹۷/۱۱/۳ - تاريخ پذيرش ۱۳۹۸/۳/۲۵)

### چکیده

حق بر سلامت از مصاديق حقوق بنيادين بشر به‌شمار مي‌رود. بزه‌ديدگان نقض اين حق، در فرضي که مرتكب از اشخاص حقيقي نوعاً غير پاسخگو و مصون از تعقيب در محاکم داخلي و بين‌المللي باشد، تلاش مي‌کنند تا از طريق محاکمه نمادين در دادگاه جامعه‌وي، ديگر شهروندان را از ابعاد بزه‌ديدگي خود مطلع کنند و از طريق آگاه‌سازي، در پيشگيري از بزه‌ديدگي مؤثر واقع شوند. از اين‌رو يکي از دلایل وجودي اين محاکم، گسترش روزافزون مخاطرات عليه بشریت، محيط زيست و سلامت انسان‌هاست که به دليل دشواري مقابله با چنين مخاطرات گسترده‌اي، محاکمي با بُعد جهاني و به‌شکل نمادين، به حساس‌سازي افکار عمومي و کنشگران سياسي اقدام مي‌کنند. ايده تشکيل دادگاه نمادين افکار عمومي برای مقابله با آثار سوء جنایات جنگي، نخستين بار در حدود پنجاه سال پيش، از سوي فلاسفه مطرح شد و طی ساليان متمادی چنان توسعه و تکامل يافت که در نهايت در خدمت اهداف سلامت عمومي نیز قرار گرفت. مقاله حاضر با روش تحقيق توصيفي و تحليلي و با تکیه بر منابع کتابخانه‌اي سعی در تبیین مخاطرات انساني مرتبط با توليدات يک شرکت چندملیتی دارد. بر اساس یافته‌هاي تحقيق، در تازه‌ترين رویداد، نمونه‌اي از تهديد حق بر سلامت ابتدا در قالب يک دادگاه نمادين بررسي شد و متعاقباً به محکوميت واقعي عامل زيانبار در دادگاه کالیفرنیا انجاميد. در ايران نیز تبليغات و معرفي محصولات و خدمات غيرمجاز و آسيب‌رسان به سلامت در رسانه‌هاي ارتباط جمعي داخلي و بين‌المللي و فضاهای مجازي ممنوع است و برای آن، حبس يا جزای نقدي درجه شش و محروميت از فعاليت شغلي و اجتماعي به‌عنوان مجازات پيش‌بيني شده است. از جمله محورهاي ارتباط میان دانش مخاطرات با جهت‌گيري اين مقاله را می‌توان در مخاطره‌شناسی مبتنی بر رفتار مشاهده کرد. از جمله سؤال‌هاي اساسی در اين حوزه اين است که برای کاهش مخاطرات محیطی چه باید کرد؟ يکي از ابزارهاي کارآمد به ياری طلبیدن افکار عمومي برای حساس‌سازي به سطح مخاطرات است؛ توسل به کارکردهای گسترده دادگاه‌هاي افکار عمومي می‌تواند جهت‌گيري نوینی بر کاربست دانش مخاطرات و شناساندن مخاطرات محیطی و مخاطرات زیستی به مردم، کنشگران سياسي و تصميم‌گيران تلقی شود و در راستای تحقق اهداف مهم حمايتی خود و تضمين زندگي بدون مخاطره انسان‌ها و محيط همچون ابزار حقيقي اثربخش عمل کند. ملاحظه سابقه تاريخی و سير تطور ايده دادگاه افکار عمومي به‌خوبي نشان مي‌دهد که استفاده از ظرفيت اين‌گونه محاکم می‌تواند ابزاری کارآمد و مؤثر در حفظ و تضمين سلامت برای همگان باشد.

**واژه‌هاي کلیدی:** بوم‌زدايي، حق بر سلامت، دادگاه افکار عمومي، مخاطرات احتمالي، مونسانتو.

## مقدمه

سلامت صرف‌نظر از جنسیت، قومیت، نژاد، محیط اجتماعی و اقتصادی، گرانبهاترین و بنیادی‌ترین دارایی هر انسان محسوب می‌شود و تهدید آن می‌تواند نتایج ناگواری بر زندگی حرفه‌ای، مسئولیت خانوادگی و مشارکت مؤثر در تعیین سرنوشت داشته باشد. به همین دلیل می‌توان تهدید سلامت را از مهم‌ترین مخاطرات احتمالی تلقی کرد. اگرچه وضعیت کره زمین از این منظر به مرحله هشدار رسیده است، توجه بدان چه در سطح بین‌المللی و چه ملی در حد کافی نیست.

حق برخورداری از بهترین حالت سلامت جسمانی و روانی یعنی سطح کاملی از آسایش مادی، روانی و اجتماعی که صرفاً به فقدان بیماری یا معلولیت محدود نباشد، اولین بار در سال ۱۹۴۶ در اساسنامه سازمان جهانی بهداشت به‌عنوان یک عنصر اساسی حقوق بشر و زندگی توأم با کرامت پیش‌بینی شد. این حق اگرچه اغلب با درمان و مراقبت و ساخت مراکز درمانی پیوند دارد، دارای قلمرو وسیع‌تری است و دربردارنده مجموعه‌ای از عواملی است که می‌تواند به پیشبرد یک زندگی سالم کمک کند. از جمله این عوامل می‌توان به تأمین آب شرب؛ مواد غذایی سالم، کافی و در دسترس؛ محیط کاری سالم؛ آموزش سلامت و انتشار اطلاعات آن و برابری بین هر دو جنس اشاره کرد [۹]. حق بر سلامت تضمین‌کننده حقوق دیگری مانند حق بر پیشگیری، درمان و مقابله با بیماری؛ دسترسی به داروهای اساسی؛ سلامت مادر، طفل و جنین؛ دسترسی برابر به خدمات اولیه و اساسی بهداشتی؛ تدارک آموزش سلامت و در نهایت، مشارکت مردم در فرایند تصمیم‌گیری‌های مربوط به سلامت و کاهش مخاطرات تهدیدکننده حق بر سلامت است [۱۴]. بی‌تردید ساختارسازی مناسب برای جلب مشارکت و هشدار در برابر مخاطرات [۱۲، ۱۶] تکلیف دولت است.

بدین ترتیب از آنجا که نسل‌های مختلف حقوق بشر به هم وابسته و جدایی‌ناپذیرند، نقض حق بر سلامت به‌عنوان یکی از این حقوق، استفاده از سایر حقوق از جمله حق بر آموزش و حق بر کار و ... را به‌طور جدی در معرض خطر قرار می‌دهد. میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به‌عنوان مهم‌ترین سند در خصوص حمایت از حق بر سلامت، ضمن اعطای جایگاه برابر به سلامت جسم و روان در ماده ۱۲ مقرر می‌دارد: ۱. کشورهای طرف این میثاق حق هر کس را به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی ممکن الحصول به رسمیت می‌شناسند؛ ۲. تدابیری که کشورهای طرف این میثاق برای تأمین استیفای کامل این حق اتخاذ خواهند کرد، شامل اقدامات لازم برای تأمین امور ذیل خواهد بود: الف) تقلیل میزان مرده متولد شدن کودکان، مرگ‌ومیر کودکان و تأمین رشد سالم آنان؛ ب) بهبود بهداشت

محیط و بهداشت صنعتی از جمیع جهات؛ ج) پیشگیری و معالجه بیماری‌های همه گیر، بومی، حرفه‌ای و سایر بیماری‌ها و همچنین، مبارزه با این بیماری‌ها؛ د) ایجاد شرایط مناسب برای تأمین مراجع پزشکی و کمک‌های پزشکی برای عموم در صورت ابتلا به بیماری.

سایر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مربوط به حقوق بشر نیز به شکل دیگری به حمایت از حق بر سلامت پرداخته‌اند. برخی از این اسناد نسبت به همه قابل اعمال و برخی ناظر به گروه‌های خاص مانند زنان و اطفال است [۱]. در ایران نیز قانونگذار به‌عنوان اولین گام، درپوشش قانون ممنوعیت تبلیغات و معرفی محصولات و خدمات غیرمجاز و آسیب‌رسان به سلامت در رسانه‌های ارتباطی داخلی و بین‌المللی و فضاهای مجازی مصوب بیست‌ودوم خرداد ۱۳۹۷، به‌طور غیرمستقیم، به حمایت کیفری از برخی از جنبه‌های مرتبط با حق سلامت پرداخت و در ماده ۱ این قانون، ارائه هرگونه اطلاعات نادرست و تبلیغ خلاف واقع درباره آثار مصرف مواد و فرآورده‌های دارویی، خوراکی، آشامیدنی، آرایشی، گیاهی، طبیعی، مکمل و همچنین تجهیزات و ملزومات پزشکی و دندان پزشکی و آزمایشگاهی و هرگونه خدمات سلامت را جرم‌انگاری کرد.<sup>۲</sup> در این جرم‌انگاری، ارزش مورد حمایت، سلامت است، اما وصف مجرمانه واجد پیام صریح برای تابعان حقوق کیفری نیست. از سوی دیگر، پاسخ‌ها نیز صرفاً محدود به پاسخ کیفری است. پیش‌بینی پاسخ‌های انطباقی و مهیا کردن فرصت جبران، در کنار پاسخ‌های کیفری، می‌تواند از کارآمدی بیشتری برخوردار باشد [۱۹].

با وجود این، از آغاز قرن بیستم این حق به‌طور جدی توسط بنگاه‌ها و اشخاص حقوقی مصون از تعقیب [۲۰، ۲۱] تهدید شد. از مهم‌ترین آنها، اقدامات شرکت چندملیتی مونسانتو است که از طریق تولید و تجاری‌سازی سموم، علاوه بر ایجاد فاجعه زیست‌محیطی، موجب مرگ هزاران نفر

۱. ماده ۵ کنوانسیون بین‌المللی حذف همه اشکال تبعیض آمیز نژادی مصوب ۱۹۶۵؛ ماده ۱۱ کنوانسیون حذف همه اشکال تبعیض نسبت به زنان مصوب ۱۹۷۹؛ مواد ۲۸، ۴۳ و ۴۵ کنوانسیون بین‌المللی حمایت از حقوق کارگران مهاجر و اعضای خانواده آنها مصوب ۱۹۹۰ و ماده ۲۵ کنوانسیون ۲۰۰۶ مربوط به حقوق اشخاص و معلولان، هر یک به مناسبت بر رعایت این حق تأکید کرده‌اند.

۲. ماده ۱ - ارائه هرگونه اطلاعات نادرست و تبلیغ خلاف واقع که نوعاً موجب گمراهی و فریب مخاطب شود به هر طریق از جمله رسانه‌های داخلی و خارجی و یا فضای مجازی درباره آثار مصرف مواد و فرآورده‌های دارویی، خوراکی، آشامیدنی، آرایشی، گیاهی، طبیعی، مکمل و همچنین تجهیزات و ملزومات پزشکی و دندانپزشکی و آزمایشگاهی و هرگونه خدمات سلامت ممنوع است و مرتکب به حبس یا جزای نقدی درجه شش و محرومیت از فعالیت شغلی و اجتماعی مرتبط برای دو تا پنج سال محکوم می‌شود. در صورتی که به مصرف‌کننده خسارتی وارد شود علاوه بر جبران آن معادل دو تا پنج برابر خسارت وارده به‌عنوان جزای نقدی به مجازات مذکور اضافه می‌شود.

در جهان شده است. شرکت مونسانتو<sup>۱</sup> در طول دوره فعالیت خود توانسته است از طریق لابی با نهادهای مقررات‌گذاری، پنهان‌سازی تحقیقات علمی مؤید تهدید سلامت، دروغ، پرداخت رشوه، تأمین مالی مطالعات متقلبانه در خصوص تولیدات خود، فشار بر پژوهشگران مستقل و مدیریت رسانه‌های نوشتاری و گفتاری، از پاسخ‌گویی نسبت به جنایات و خسارات وارد به انسان‌ها و زیست‌بوم در محاکم قضایی در امان بماند [۱۳]. در چنین شرایطی، جامعه مدنی خود پیشگام محاکمه نمادین این شرکت شد تا بر دوره مصونیت آن، دست کم در دادگاه افکار عمومی پایان دهد. بدین ترتیب، دادگاه افکار که نخستین بار برای پایان دادن به جنگ آمریکا علیه ویتنام و تمهید صلح تشکیل شد، امروز در خدمت تأمین سلامت قرار گرفته است.

برای مطالعه روند تکامل دادگاه‌های نمادین افکار عمومی، ابتدا خاستگاه و تحولات دادگاه افکار با تأکید بر دادگاه «برتراند راسل» در خصوص پایان جنگ و آغاز صلح (گفتار اول) و سپس، نمونه اخیر آن یعنی «دادگاه مونسانتو» در ارتباط با تهدید حق بر سلامت بررسی می‌شود (گفتار دوم). برآیند دادگاه افکار نیز در گفتار سوم بررسی می‌شود.

#### گفتار اول: مفهوم، خاستگاه و تحولات دادگاه‌های افکار

حق رسیدگی و قضاوت اگرچه یکی امتیازهای ویژه دولت محسوب می‌شود [۱۴]، اما مانع آن نیست که گروه‌های اجتماعی و حتی گاهی بزه‌دیده، بتوانند به ایفای نقش و کارکرد قضایی بدون رجوع به دولت و خارج از کنترل مقام قضایی و فارغ از چارچوب تقنینی بپردازند. این امر نشان‌دهنده علاقه جامعه مدنی به خودگردانی، دادگستری و دادستانی است. این شیوه دادگری ضمن برخورداری از سازمان و تشکیلات خودجوش، می‌خواهد تقبیح و نکوهش خود را به طریق دیگری غیر از رویه‌های صرف معترضانه بیان کند. از جمله این شیوه‌ها، دادگاه‌های افکارند که مبنای آنها اقدام به ارائه گزارشی از اطلاعات موجود در خصوص موارد نقض شدید حقوق بنیادین انسان با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی و دولت‌هاست. این حرکت به‌طور غیررسمی در بیان خواسته‌های افراد و دولت‌ها به‌صورت مستقیم و واقعی‌تر مکمل حقوق بین‌الملل است و از سوی دیگر، ایفای نقش محرک در قبال دولت‌ها و نیز سنجش انتقادی اقدام دولت‌ها را بر عهده دارد. این سنجش انتقادی از یک اعتراض ساده که هدفش مطلع ساختن افکار عمومی جهانی است، فراتر می‌رود و نتیجه آن به‌شکل یک حکم ظهور می‌یابد که از نظر نمادین بسیار قوی است [۴].

۱. این شرکت در سال ۱۹۰۱ در آمریکا توسط فردی بنام گالستون تأسیس شد. وی به پاس قدردانی، نام همسرش یعنی اولگا مونسانتو را بر آن نهاد.

یونیسف، «دادگاه افکار» را مرجعی می‌داند که توسط اشخاص غیردولتی تأسیس و توسط آنها در قالب قاضی و هیأت منصفه اداره می‌شود.<sup>۱</sup> به عبارت دیگر، حیات و قدرت دادگاه افکار ناشی از قدرت همین اشخاص است و نه حاکمیت. مأموریت عمده این دادگاه‌ها پرده برداشتن از اقدامات دولت‌ها علیه حقوق مردم در قالب حقوقی است. این دادگاه‌ها در ارتباط با هر جرم بین‌المللی، هر جرم علیه حقوق بنیادین انسان یا اقلیت‌ها و هر نوع نقض شدید و سیستماتیک حقوق و آزادی‌های فردی، به رسیدگی و اظهار نظر می‌پردازند.

تأسیس دادگاه‌های افکار حاصل تلاش‌های فیلسوف انگلیسی قرن نوزدهم؛ برتراند راسل<sup>۲</sup> است. تلاش‌های وی در این زمینه با جنبش حامی استعمارزدایی بعد از جنگ جهانی دوم همراه شد. بدین ترتیب، اولین نمونه از این نوع دادگاه‌ها با همت این فیلسوف بزرگ و نیز ژان پل سارتر علیه جرایم آمریکا در جریان جنگ ویتنام برگزار شد. پس از آن، دادگاه‌های مشابه دیگری به شکل موقت یا دائم با نام‌هایی از قبیل «دادگاه‌های وجدان»<sup>۳</sup>، «دادگاه‌های اخلاقی»<sup>۴</sup>، «دادگاه‌های افکار»<sup>۵</sup>، «دادگاه‌های مردمی»<sup>۶</sup> و «دادگاه‌های شهروندان»<sup>۷</sup> با الهام از ابتکار پیشین، یعنی برگزاری دادگاه توسط مردم و برای مردم، در طول شصت سال گذشته در کنار دادگستری نهادی یا دولتی ایجاد و برگزار شد.

دادگاه راسل - سارتر در نوامبر سال ۱۹۶۶ تشکیل شد و تا کنون از آن به‌عنوان ابتکاری بسیار بزرگ یاد می‌شود. اعضای تشکیل‌دهنده این دادگاه شخصیت‌های صاحب‌نام از ملیت‌های مختلف و به‌عبارتی، نماینده جامعه مدنی بین‌المللی بودند.<sup>۸</sup> برگزاری این دادگاه انعکاس رسانه‌ای گسترده‌ای نیز داشت، ضمن اینکه شرکت‌کنندگان در دادگاه نیز هر کدام به‌دلیل برخوردار بودن از کارنامه درخشان در کشور خود و حتی خارج از مرزها، از شهرت زیادی برخوردار

1. Unicef, Tribunal d'opinion. Dossier pédagogique : La détention des enfants étrangers en centres fermés, p 17. [http://www.dei-belgique.be/IMG/pdf/dossier\\_pedagogique\\_unicef\\_-\\_la\\_detention\\_des\\_enfants\\_etrangers\\_en\\_centres\\_fermes.pdf](http://www.dei-belgique.be/IMG/pdf/dossier_pedagogique_unicef_-_la_detention_des_enfants_etrangers_en_centres_fermes.pdf)

۲. برتراند راسل در سال ۱۹۵۰ برای مجموعه فعالیت‌هایش در زمینه خدمت به بشریت، جایزه نوبل ادبیات را دریافت کرد.

3. Tribunaux de conscience.

4. Tribunaux moraux.

5. Tribunaux d'opinion.

6. Tribunaux populaires.

7. Tribunaux des citoyens.

8. Bertrand Russel, Jean-Paul Sartre, Lelio Basso, Simone de Beauvoir, Lazaro Cardenas, James Baldwin, Dave Dellinger, Mehmet Ali Aybar.

در بین این گروه، یک رئیس دولت سابق، یک فیلسوف، یک ریاضیدان، چند حقوقدان و وکیل، فعالان حقوق

بشر، یک شاعر، فعالان استعمارزدایی و... وجود داشت. افراد شاخص آنها برتراند راسل و ژان پل سارتر بودند.

بودند. البته شکل‌گیری این‌گونه دادگاه‌ها و شروع به فعالیت آنها در آن دوره با محدودیت‌های جدی سیاسی مواجه بود، به طوری که دولت فرانسه اجازه تشکیل دادگاه در این کشور را نداد و این مخالفت را از طریق رئیس پلیس پاریس به اطلاع طراحان آن رساند. راسل معتقد بود این دادگاه را حتی می‌تواند روی عرشه یک کشتی و خارج از آب‌های سرزمینی تشکیل دهد. نهایت، دادگاه در دو مرحله، ابتدا در استکهلم سوئد و سپس در دانمارک برگزار شد [۲۳].

در پی موفقیت‌های این دادگاه در پرداختن به جرایمی که ایالات متحده آمریکا متهم به ارتکاب آنها در جریان جنگ ویتنام بود، چنین ابتکاراتی مضاعف شد.<sup>۱</sup> به‌عنوان مثال، «دادگاه راسل»<sup>۲</sup> با هدف ارائه ادله مربوط به اخاذی و نقض حقوق بشر توسط رژیم‌های دیکتاتوری آمریکای لاتین تشکیل شد، اگرچه موفقیت آن مشابه نخستین دادگاه افکار نبود. دادگاه «راسل ۳» در سال ۱۹۸۰ نیز با هدف بررسی جنایات جنگی، نسل‌کشی و جرایم علیه بشریت در کنگو برگزار شد. در دهه ۱۹۹۰ موضوعات دادگاه متنوع شد و سیاست‌های اقتصادی تحمیلی بانک جهانی و آثار منفی آن بر سیاست‌های اقتصادی و بودجه نیز به بحث گذاشته شد. به‌طور کلی، در تشکیل و برگزاری دادگاه‌های نسل دوم، حقوق‌دانان نقش اساسی داشتند.

سال ۱۹۷۹ و در راستای بسیج افکار عمومی در برابر شبهه چنین وضعیت‌هایی، «دادگاه دائمی خلق»<sup>۲</sup> در شهر رم به تقاضای اشخاص حقیقی و جامعه مدنی تشکیل شد تا اعمال ناقض حقوق، جرایم دولتی، جرایم علیه حقوق اقلیت‌ها، تأثیرات جهانی شدن و ... را بررسی کند. در پایان هر جلسه نیز یک رأی نمادین یا گزارش برای انتشار در رسانه‌ها و خطاب به جامعه مدنی، نهادهای دولتی و سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای مانند سازمان ملل، دیوان بین‌المللی دادگستری، پارلمان اروپایی و ... تهیه شد. به‌طور معمول دامنه تأثیر رأی صادره از محتوای جلسات دادگاه نیز بیشتر بوده است. اساسنامه دادگاه به‌صراحت این نهاد را ادامه دادگاه راسل-سارتر در خصوص جنگ ویتنام معرفی کرد. در اینجا نیز هدف این بود که توجه دولت‌ها، جریان‌های سیاسی، سندیکاها و افکار عمومی جهانی را به نقض شدید و سازمان‌یافته حقوق مردم جلب کنند. این دادگاه دائمی تاکنون در خصوص ۴۳ مورد نقض با موضوعات مختلف تشکیل شده است. از جمله می‌توان به دادگاه «نقض حقوق اطفال در برزیل»<sup>۳</sup>، «جرایم علیه

۱. از آن تاریخ به بعد، حدود ۷۰ دادگاه افکار در سطح فراملی برگزار شد.

2. Permanent People's Tribunal, <http://permanentpeopletribunal.org/tribunale-permanente-deipopoli/Statuto>.

3. Tribunal Permanent des Peuples, La violation des droits fondamentaux de l'enfant et del'adolescent au Brésil. L'écart entre la loi et la réalité, Saõ Paulo, Brésil, 17-19 mars 1999. [http://permanentpeopletribunal.org/wp-content/uploads/1999/03/Diritti\\_Bambini\\_Brasile\\_TPP\\_it.pdf](http://permanentpeopletribunal.org/wp-content/uploads/1999/03/Diritti_Bambini_Brasile_TPP_it.pdf).

بشریت در یوگسلاوی سابق»<sup>۱</sup> و «انفجار مرکز هسته‌ای چرنوبیل و تأثیر آن بر محیط زیست و سلامت انسان‌ها»<sup>۲</sup> اشاره کرد. دادگاه دائمی خلق در خصوص محیط زیست نیز تا کنون هشت جلسه برگزار کرده است.<sup>۳</sup>

در کنار این دادگاه دائمی، مراجع دیگری نیز در طول سال‌های اخیر در خصوص عدالت زیست‌محیطی،<sup>۴</sup> کاستی‌های دادگستری عمومی در خصوص محیط زیست، نیاز به تشکیل «دادگاه آب‌وهوا و تغییر اقلیم»<sup>۵</sup>، ناشی از دغدغه بی‌کیفر ماندن مرتکبان جرایم زیست‌محیطی شکل گرفتند. از جمله این موارد می‌توان به «دادگاه مستقل مردمی هند برای محیط زیست و حقوق بشر»<sup>۶</sup> اشاره کرد که ابتکار سازمان مردم‌نهاد «آکس فام»<sup>۷</sup> در سال ۲۰۰۹ بود و در سی‌وشش کشور جلسه دادگاه در زمینه اقلیم و آب‌وهوا برگزار کرد. «دادگاه بین‌المللی در خصوص حقوق طبیعت»<sup>۸</sup> به سال ۲۰۱۴ نیز نمونه دیگری از این قبیل دادگاه‌هاست. هر کدام از این دادگاه‌ها به سهم خود در گفتمان‌سازی و جهت‌دهی به دکتترین حقوقی و به‌طور غیرمستقیم، در تولید علم تأثیر داشته است.

بدین ترتیب، وکلا، قضات و دانشگاهیان که اغلب به‌دلیل تعهدشان به جامعه مدنی قانون توجه‌اند، پشتوانه حقوقی تأسیس دادگاه‌های مردمی و توجیه آن محسوب می‌شوند؛ به‌عبارت دیگر، توسل به صاحب‌نظران، دانشمندان، دانشگاهیان و متخصصان حقوق و آموزه‌های آنان به‌ویژه در زمینه تفسیر حقوق، نظام‌مندسازی حقوق، تولید اندیشه‌های جدید و مشارکت در شکل‌گیری هنجار، موجب تضمین مشروعیت و اعتبار فعالیت این دادگاه شده است.<sup>۹</sup>

آخرین ابتکار در این زمینه «دادگاه مونسانتو یا زیست‌کشی در مواجهه با دادگاه مردمی»<sup>۱۰</sup> است. دادگاه مونسانتو در یک زمینه کاملاً تخصصی که کمتر در دادگاه‌های دائمی خلق بدان‌ها

1. Tribunal Permanent des Peuples, Sur les crimes contre l'humanité en ex-Yougoslavie, Barcelone, 7-11 décembre 1995. <http://permanentpeopletribunal.org/wp-content/uploads/1995/12/Ex-Yugoslavia-II.pdf>

2. Tribunal Permanent des Peuples, Tchernobyl : environnement, santé et droits de l'homme, Vienne, 12-15 avril 1996. [http://permanentpeopletribunal.org/wp-content/uploads/1996/04/Chernobyl\\_TPP\\_IT.pdf](http://permanentpeopletribunal.org/wp-content/uploads/1996/04/Chernobyl_TPP_IT.pdf)

3. <http://permanentpeopletribunal.org>

4. <http://eradicatingecocide.com/the-law/mock-trial/>

5. Tribunaux climatiques

6. L'Indian Independent People's Tribunal on environment and human rights.

<http://www.iptindia.org/category/environment>

7. <https://www.oxfam.org/fr/tags/tribunal-sur-le-climat>

8. Tribunal International sur les droits de la Nature. <http://www.naturerights.com>

۹. در واقع، رشد و توسعه حقوق بشر بدون تلاش‌های واقعی کنش‌گران غیردولتی امکان‌پذیر نیست. در خصوص نقش دادگاه‌های غیردولتی. ر.ک. [۲۲]

10. Le Tribunal Monsanto ou l'écocide face à la justice des peuples», *Droit de* n° 252, janvier 2017.

پرداخته شده بود، از یک سو با هدف مطلع کردن افکار عمومی و تصمیم‌گیران سیاسی با رویه‌های شرکت مونسانتو و از سوی دیگر، به منظور جدا شدن از ساختار دادگاه‌های سابق که با دامنه تأثیر به نسبت ضعیفی همراه شده بود، برگزار شد که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

#### گفتار دوم: دادگاه بین‌المللی مونسانتو<sup>۱</sup>

شرکت چندملیتی مونسانتو که در سال ۱۹۰۱ در آمریکا تأسیس شد، مواد خطرناکی را در طول دوره حیات خود تولید و در سراسر جهان توزیع کرده است. اولین محصول پرخطر آن، آلاینده‌های دیرپا<sup>۲</sup> (PBC) بود که بین سال‌های ۱۹۳۵ و ۱۹۷۹ توسط همین شرکت تجاری شد. شرکت سازنده از آثار ناگوار این محصول بر سلامت انسان‌ها اطلاع داشت. سال‌ها طول کشید تا اینکه کنوانسیون آلاینده‌های آلی دیرپای استکهلم در سال ۲۰۰۱ آن را ممنوع کرد. این ماده سرطان‌زا سبب ناباروری و اختلال در سیستم ایمنی بدن می‌شد. مرحله دوم تولیدات این شرکت، سم علف‌کش گلیفوزات با نام تجاری «رانند آپ» بود که در برخی مطالعات سرطان‌زا تشخیص داده شد. آثار این سهم در محصولات غذایی، آب آشامیدنی، ادرار انسان، خون و حتی شیر مادران یافت شده است. سومین مورد موجودات زنده تغییر یافته ژنتیکی<sup>۳</sup> و مقاوم در برابر راند آپ بود که به طور گسترده تولید و توزیع شد. این محصول نیز توسط مرکز تحقیق در زمینه سرطان که وابسته به سازمان جهانی بهداشت است، سرطان‌زای محتمل برای انسان شناخته شد. براساس تحقیقی که یک استاد زیست‌شناسی در آمریکا انجام داد، قرار گرفتن در معرض گلیفوزات می‌تواند به تغییرات ژنتیکی مزمن و نیز تغییر DNA منتهی شود. همچنین براساس تحقیقی که در همین زمینه در فرانسه، نروژ و آمریکا انجام گرفت، اطلاعات بیش از ۳۱۵۰۰۰ کشاورز که در معرض سموم علف‌کش قرار گرفته بودند در طی مدت ده سال جمع‌آوری شد. نتیجه این تحقیق نشان داد که احتمال ابتلای این افراد به سرطان در مقایسه با کشاورزانی که در معرض این سم قرار نگرفته بودند، بسیار بیشتر بود. [۲۴]

دادگاه بین‌المللی مونسانتو برخاسته از جامعه مدنی بین‌المللی و متشکل از پنج قاضی از ملیت‌های مختلف است.<sup>۴</sup> این دادگاه در هجدهم آوریل ۲۰۱۷ نظر مشورتی خود را در خصوص آثار زیانبار فعالیت‌های شرکت مونسانتو<sup>۵</sup> بر حقوق بشر و محیط زیست اعلام کرد. هدف این

1. Le Tribunal Monsanto, <http://www.monsanto-tribunalf.org>

2. Polychlorobiphenyles

3. A genetically modified organism (GMO)

۴. قضات از کشورهای سنگال، مکزیک، آرژانتین، کانادا و بلژیک بودند.

5. Monsanto



«دادگاه افکار عمومی» که مقر آن در شهر لاهه هلند بود، از یک سو، آگاه کردن همه جهان در خصوص فعالیت‌های زیانبار شرکت مونسانتو و از سوی دیگر، کمک به اعتلای حقوق بین‌الملل در راستای حمایت بهتر و مؤثرتر از محیط زیست اعلام شد [۸، ۳، ۲]. برگزارکنندگان این دادگاه برای دستیابی به اهداف مورد نظر یک فرایند رسیدگی با ابعاد نمادین و حقوقی قوی انتخاب کردند. شاهد این امر برگزیدن «لاسه» (مقر دادگاه کیفری بین‌المللی) به‌عنوان مقر این دادگاه و همچنین، کیفیت قضاوت و به‌ویژه، شیوه استدلال در نظر (رای) صادره است.<sup>۱</sup>

ترکیب بین‌رشته‌ای کمیته تشکیل و سازماندهی دادگاه مونسانتو نیز مؤید همین است. از جمله اعضای این کمیته آلیویه شوتر<sup>۲</sup> استاد دانشگاه لووان بلژیک<sup>۳</sup> و گزارشگر سابق سازمان ملل در خصوص حق بر تغذیه در سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۸ و عضو کنونی کمیته حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، گرین لویژ<sup>۴</sup> وکیل دادگستری در فرانسه، وزیر اسبق و مبتکر طرح اعلامیه حقوق بشریت<sup>۵</sup>، یک استاد دانشگاه<sup>۶</sup> و فعال در زمینه «حقوق نسل‌های آینده» [۲۶] و نیز زیست‌زدایی<sup>۷</sup> (Ecocide) که در تهیه شش محور مورد رسیدگی در دادگاه به همراه سی دانشجوی کارشناسی ارشد نقش داشت و در نهایت، خانم فرانسواز تولکنس<sup>۸</sup> استاد دانشگاه لووان بلژیک، سردبیر مجله بین‌المللی حقوق کیفری، قاضی سابق و نایب رئیس دادگاه اروپایی حقوق بشر را می‌توان نام برد.

۱. علاوه بر این، پیش‌بینی شده بود نظر دادگاه در تاریخ ۱۰ دسامبر ۲۰۱۶، تاریخ نمادین روز حقوق بشر به‌صورت عمومی قرائت شود؛ لیکن به دلیل اینکه انتظارات جامعه مدنی از این دادگاه بیش از اندازه افزایش پیدا می‌کرد، به تاریخ دیگری موکول شد.

2. Olivier de Schutter

3. L'Université de Louvain

4. Corinne Lepage

5. Déclaration des droits de l'Humanité

6. Emilie Gaillard

۷. اصطلاح اکوساید در سال ۱۹۶۶ توسط یک زیست‌شناس آمریکایی بنام Arthur Galston استفاده شد. وی در آن سال خواستار استفاده نکردن ارتش آمریکا از سموم علف‌کش در طول جنگ ویتنام بود. چند سال بعد، نخست‌وزیر سوئد در یک نشست علمی درباره «زمین» در سال ۱۹۷۲ در استکهلم آن را به‌کار برد. علاوه بر آن، هنگام تنظیم اساسنامه رم برای دادگاه کیفری بین‌المللی، تصمیم اولیه این بود که اکوساید در ماده ۲۶ و ذیل عنوان جرایم شدید علیه محیط زیست در زمان صلح گنجانده شود که تحت فشار برخی از کشورها از جمله فرانسه با این استدلال که صنعت هسته‌ای از این اقدام صدمه می‌بیند، از دستور خارج شد. البته در همان زمان از کشورهای عضو خواسته شد تا زمان حصول یک توافق، زیست‌زدایی را در قوانین داخلی خود جرم‌انگاری کنند. خاطر نشان می‌شود پیش‌نویس قانون جنایات علیه صلح و امنیت بشریت که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل تهیه شده است نیز تعرض شدید به محیط زیست در زمان صلح را به‌عنوان جنایت نشناخته است.

8. Françoise Tulkens

بدین ترتیب، تشکیل چنین دادگاه‌هایی به‌مثابه تریبونی برای صاحب‌نظران دانشگاهی به‌منظور انتشار جهانی زیست‌محیطی<sup>۱</sup> است. در واقع، با الهام از آیین رسیدگی دیوان بین‌المللی دادگستری، دادگاه باید براساس موازین حقوق بین‌الملل، در خصوص شش مسئله‌ای که از آن خواسته شده بود، نظر حقوقی بدهد. این شش مسئله عبارت بودند از: ۱. انطباق فعالیت‌های شرکت مونسانتو با حق بر محیط زیست سالم؛ ۲. حق بر سلامت؛ ۳. حق بر تغذیه؛ ۴. حق بر آزادی تحقیقات علمی؛ ۵. معاونت در جنایت جنگی در خلال جنگ ویتنام<sup>۲</sup> و در نهایت، ۶. مفهوم بوم‌زدایی<sup>۳</sup> (اکوساید) ناشی از فعالیت‌های مونسانتو. در واقع شرکت مونسانتو به‌واسطه تولید نوعی سم علف‌کش<sup>۴</sup> مصادیق مختلف حقوق بشر را نقض کرده بود زیرا تعرض علیه محیط زیست، امکان استفاده مفید از دیگر حقوق بنیادین نسل اول تا سوم را نیز همزمان به مخاطره می‌اندازد.<sup>۵</sup>

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص فعالیت‌های مرتبط با حقوق بشر و محیط زیست، ر.ک: Global Network for the Study of Human Rights and the Environment  
 ۲. مونسانتو به‌عنوان مثال مجله Food and Chemical Toxicology (FCT) را تحت فشار گذاشته بود تا زیست‌شناس فرانسوی از نتیجه تحقیق خود که در سال ۲۰۱۲ منتشر کرده بود، عقب‌نشینی کند. یک شرکت آمریکایی فعال در زمینه زیست محیطی، براساس قانون آزادی دسترسی به اطلاعات، به تصویر نامه‌های ردوبدل شده بین این شرکت و یکی از اعضای هیأت تحریریه این مجله دست یافت. بررسی مدارک داخلی شرکت که بنا بر تصمیم یک دادگاه محلی سانفرانسیسکو در کالیفرنیا انتشار عمومی یافت، نشان داد که این شرکت به‌طور نظام‌مند پژوهشگران مستقل برجسته را تحت فشار قرار داده است.  
 ۳. شرکت مونسانتو متهم بود به اینکه در جنگ ویتنام، میلیون‌ها لیتر سم علف‌کش برای ریختن روی جنگل‌های ویتنام به‌منظور تخریب محل استتار سربازان در اختیار ارتش آمریکا قرار داده بود. این اقدام نه‌تنها نتایج زیانباری بر سلامت غیرنظامیان داشت، بلکه بی‌حد و اندازه محیط زیست را از طریق جنگل‌زدایی تخریب کرد. در این خصوص سؤال این بود که آیا این اقدام مونسانتو را می‌توان براساس پاراگراف ۲ ماده ۸ اساسنامه دیوان کیفری بین‌المللی، معاونت در جنایت جنگی قلمداد کرد؟

#### 4. Ecocide

۵. سم راندآپ (Round up) محصول این شرکت، دربردارنده نوعی ماده شیمیایی است که توسط سازمان جهانی بهداشت سرطان‌زا شناخته شده است. این شرکت همچنین با دستکاری ژنتیکی دانه‌ها، آنها را در برابر این سم مقاوم کرده است. راندآپ البته بدترین سم موجود نیست، اما پرکاربردترین آنها در جهان است که به رکن اساسی کشاورزی مولد تبدیل شده است. مقدار فروش سالانه سم راندآپ هشتصد هزار تن است.  
 ۶. به‌طور کلی حقوق بشر به سه نسل تقسیم می‌شود: نسل اول مشتمل بر حقوق مدنی و سیاسی است. خاستگاه نظری این حقوق که مبتنی بر دغدغه‌های سیاسی است، به سده‌های هفدهم و هجدهم میلادی بازمی‌گردد و این اندیشه را دنبال می‌کند که دولت نباید از قدرت نامحدود برخوردار باشد و شهروندان باید بتوانند سیاست‌های مربوط به خود را در دولت جهت دهند. آزادی‌های فردی و حمایت از این آزادی‌ها در برابر مداخلات دولت، ایده اصلی این نسل از حقوق بشر است. امروزه حقوق مدنی و سیاسی به‌تفصیل در میثاق بین‌المللی مربوط به حقوق مدنی و سیاسی و کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین تعریف شده است. در طول دوره جنگ سرد، کشورهای بلوک شرق به دلیل بی‌توجهی به این دسته از حقوق مورد انتقاد جدی بودند. این کشورها نیز البته دموکراسی‌های غربی را به‌دلیل بی‌اعتنایی به حقوق اقتصادی، اجتماعی بنیادین یعنی حقوق بشر نسل

دادگاه قبل از اعلام نظر، دو روز (طی روزهای ۱۵ و ۱۶ اکتبر ۲۰۱۶) جلسات رسیدگی علنی برگزار کرد که در آنها سخنان شهود و کارشناسان استماع شد. شرکت مونسانتو که به جلسه دادگاه دعوت شده بود، از طریق سایت شرکت اعلام کرد که در آن جلسه شرکت نمی‌کند، ضمن اینکه تشکیل این دادگاه را صحنه‌سازی سازمان‌یافته و نوعی عوام‌فریبی توصیف کرد. در نهایت نظریه حقوقی دادگاه افکار عمومی در خصوص قضیه مونسانتو در قالب ۶۶ صفحه تنظیم شد که به لحاظ شکلی مشتمل بر سه بخش بود. بخش مقدماتی به معرفی دادگاه، واژگان مرجع، حقوق قابل اجرا و آیین دادرسی می‌پردازد. بخش دوم که در واقع مهم‌ترین بخش آن محسوب می‌شود، به سؤال‌های مطرح شده پاسخ می‌دهد. بخش آخر نیز مشتمل بر توصیه‌هایی به همه کشورهای برای برقراری مجدد تعادل میان حقوق بین‌الملل، حقوق بشر و مسئولیت شرکت‌هاست.

از نظر ماهوی، دادگاه انطباق نداشتن فعالیت‌های شرکت مونسانتو بر حقوق بشر را محرز اعلام کرد، اما در زمینه اتهام معاونت در جنایت جنگی در ویتنام محتاطانه برخورد کرد و در نهایت، جرم‌انگاری «زیست‌زدایی» [۳۱، ۲۹، ۲۶]<sup>۱</sup> را مناسب تشخیص داد و همه کشورهای را به ایجاد تحول در حقوق بین‌الملل برای حمایت بهتر و مؤثرتر از حقوق بشر و محیط زیست دعوت کرد. به‌عنوان مثال قانونگذار فرانسه در سال ۲۰۱۹ تصمیم گرفت جرم زیست‌زدایی (اکوساید) را ضمن قیاس با نسل‌زدایی (ژنوساید) موضوع ماده ۱-۲۱۱ قانون مجازات، ذیل ماده پیشنهادی ۲۳۰-۱، جرم‌انگاری کند. منظور از زیست‌زدایی براساس متن پیشنهادی، عبارت است از «یک

دوم سرزنش می‌کردند. حقوق بشر نسل دوم: این دسته از حقوق که به نیازهای اساسی زندگی مربوط است، بر محور برابری و دسترسی به فرصت‌ها، اموال و خدمات اساسی در قلمرو اقتصادی و اجتماعی در راستای یک زیست توأم با کرامت انسانی استوار است. مصادیق این نسل از حقوق بشر در میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و نیز منشور اجتماعی اروپایی ذکر شده است. البته به دلایل ایدئولوژیک و سیاسی سال‌ها طول کشید که حقوق بشر نسل دوم از لحاظ شناسایی و پذیرش به درجه و موقعیت حقوق مدنی و سیاسی برسد. از سوی دیگر، اگرچه از منظر شهروندان عادی داشتن سطح زندگی حداقلی، یک مسکن و شغل مناسب یک امر بدیهی و مسلم فرض می‌شد لیکن فهم و درک آن برای دولتمردان بدین سادگی نبود. همبستگی، اندیشه بنیادی حقوق نسل سوم یا حقوق جمعی را تشکیل می‌دهد. در بیشتر نقاط دنیا، فقر مطلق، جنگ‌های درونی و نیز فجایع زیست‌محیطی مانع رعایت حقوق بشر شده است. به همین دلیل عدده زیادی معتقد بودند باید نسل جدیدی از حقوق را به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه به رسمیت شناخت و از این طریق زمینه اجرای حقوق شناخته‌شده ولی اجرا نشده را فراهم آورد. از مهم‌ترین حقوق نسل سوم می‌توان به حق بر توسعه، حق بر صلح و حق بر محیط زیست سالم اشاره کرد. برخی از مصادیق این نسل از حقوق بشر، خود موضوع یک سند منطقه‌ای یا بین‌المللی قرار گرفته‌اند.

۱. برای اطلاعات بیشتر در خصوص زیست‌زدایی همچنین ر.ک: <https://www.endecocide.org/ft/>

اقدام طراحی شده در جهت نابودسازی کلی یا جزئی یک اکوسیستم، در زمان صلح یا جنگ که منجر به لطمه شدید و پایدار به محیط زیست و شرایط زیستی جمعیت گردد». در پیش‌نویس این ماده پیشنهادی، علاوه بر ضمانت اجراهای کیفی و اداری، تقویت سازوکارهای کنترل چگونگی اجرایی کردن تدابیر حمایت از محیط زیست و نیز سرمایه‌گذاری در زمینه تحقیقات علمی مرتبط با محیط زیست را دستور کار قرار داده است.

فرانسه البته در برابر این وضعیت منفعل نماند و در سال ۲۰۰۵، منشور محیط زیست را در قانون اساسی وارد کرد و سپس اصل «اجتناب، کاهش و جبران» را در قوانین عادی پیش‌بینی کرد. براساس این اصل، از هر نوع اقدام علیه محیط زیست در وهله نخست باید در هر صورت اجتناب شود و در صورت ممکن بودن، باید کاهش یابد و در صورت ورود خسارت جبران شود. در حال حاضر دادگاه‌های کیفری برای مجازات مرتکبان علیه محیط زیست هم می‌توانند به عناوین مجرمانه خاص در قانون مجازات و نیز قانون محیط زیست استناد کنند و هم به عناوین مجرمانه عام.

شدیدترین جرم در این زمینه در حقوق این کشور تروریسم زیست‌محیطی است که در ماده ۲-۴۲۱ قانون مجازات تعریف و برای آن بیست سال حبس و ۳۵۰ هزار یورو جزای نقدی پیش‌بینی شده است. بر اساس این ماده، وارد کردن موادی در هوا، زمین، مواد غذایی و آب با هدف بر هم زدن شدید نظم عمومی از طریق ارباب و ایجاد وحشت، به گونه‌ای که سلامت انسان، حیوان یا محیط طبیعی را به خطر اندازد، تروریسم زیست‌محیطی محسوب می‌شود. همچنین، پخش مواد آلوده در دریا توسط کشتی یا تعرض به میراث طبیعی در چارچوب باند سازمان‌یافته مستوجب هفت سال حبس خواهد بود [۲۸].

اگرچه این نظر از لحاظ حقوقی لازم‌الاجرا محسوب نمی‌شود، قدرت نمادین و آموزشی آن را هرگز نمی‌توان انکار کرد. ضمن اینکه از این طریق، نارسایی وجه حمایتی حقوق موضوعه و ضرورت تحول حقوق بین‌الملل، حق بر سلامت و حقوق محیط زیست آشکار شد.

#### گفتار سوم: برابری دادگاه افکار عمومی مونسانتو

نظریه دادگاه افکار عمومی مونسانتو در سال ۲۰۱۷ که متضمن اعلام زیانبار بودن فعالیت‌های این شرکت برای حق بر سلامت و محیط زیست بود، حدود پانزده ماه بعد زمینه‌ساز محکومیت شرکت مونسانتو در دادگاهی واقعی شد. محکومیت شرکت مونسانتو به موجب حکم دادگاه کالیفرنیا در ماه آگوست ۲۰۱۸ حاصل شکایت یک باغدار ۴۶ ساله در آمریکا بود که براساس نظر پزشکان در مراحل پایانی سرطان سیستم لنفاوی قرار داشت و متقاضی جبران خسارت بود. وی مدعی بود که از سم علف‌کش گلیفوزات (راند آپ) محصول شرکت مونسانتو استفاده کرده است. علت ابتلا نیز نبود اطلاع

کافی درباره خطرهای سم مورد استفاده در باغداری بوده است. دادگاه کالیفرنیا در نهایت شرکت مونسانتو را به پرداخت مبلغی معادل ۲۸۹ میلیون دلار به عنوان خسارت ناشی از ابتلای خواهان به سرطان درمان‌ناپذیر محکوم کرد. مبلغ مذکور در نهایت به ۷۸ میلیون دلار کاهش یافت. این رأیی تاریخی است که می‌تواند آینده کشاورزی جهان را تحت تأثیر قرار دهد.

مستند محکومیت شرکت «اسناد و مدارک داخلی»<sup>۱</sup> آن بود که نشان می‌داد شرکت در مطالعات علمی خود از خطرناک بودن سم آگاهی داشته است. در پرونده دیگری نیز که به تازگی با ۳۵۰ شاکی مفتوح شده است، با توجه به ادله تحویل شده مبنی بر اینکه قرار گرفتن در معرض این سم منتهی به سرطان غدد لنفاوی در انسان‌ها می‌شود، قاضی به تعقیب، چراغ سبز نشان داده است. این رأی اگرچه در آمریکا چندان با واکنش رسانه‌ها مواجه نشد، در اروپا واکنش‌های مختلفی را در پی داشت، تا جایی که وزیر محیط زیست فرانسه از ضرورت «جنگ علیه آفت‌کش‌ها» صحبت کرد.<sup>۲</sup>

در واقع هیأت ژوری بر این اعتقاد بود که خطر سرطان‌زا بودن ناشی از این محصول برای مدیران شرکت شناخته شده بوده است یا دست‌کم، با توجه به تحقیقات صورت گرفته توسط جامعه علمی در زمان تولید، توزیع و فروش این سم، قاعدتاً می‌توانست احراز شود. علاوه بر این، شرکت می‌بایست خریداران را از وجود این خطر مطلع می‌ساخت. از این رو شرکت مغرضانه رفتار کرده است. هیأت ژوری در طول مدت رسیدگی، اظهارات شهود و وکلای طرفین را استماع و مسائل علمی پیچیده در خصوص سازوکار فعالیت ماده گلايفوسیت، تحلیل مطالعات در حیوانات و شدت تأثیر آن بر انسان را بررسی کرد، اما در نهایت، مستندات داخلی شرکت نقش اساسی در تصمیم دادگاه داشت.

دادگاه آمریکایی از بهار سال ۲۰۱۷ شروع به انتشار این اسناد کرد، اگرچه در اروپا مرکز بین‌المللی تحقیقات درباره سرطان و سازمان مقررات‌گذاری این سم را سرطان‌زا تشخیص نداده بود. به همین دلیل، برخی نمایندگان در فرانسه با توجه به رأی دادگاه کالیفرنیا، از کوتاهی اتحادیه اروپا در اجرایی کردن «اصل احتیاط» صحبت کردند و معتقد بودند که می‌توان از تصمیم سابق شورای اروپا مبنی بر سرطان‌زا نبودن محصول در نزد دیوان بین‌المللی دادگستری به دلیل رعایت نکردن اصل احتیاط شکایت کرد.<sup>۳</sup>

1. Monsanto papers

2. <https://www.lemonde.fr/planete/article/2018/08/11>.

3. <https://www.lemonde.fr/planete/article/2018/08/11/proces-du-glyphosate-monsanto>.

این شرکت هشت ماه بعد نیز، یعنی در ۱۳ می ۲۰۱۹، توسط یک دادگاه در اوکلاند ایالت کالیفرنیا به پرداخت دو میلیارد دلار محکوم شد. ایالتی که به لحاظ سیاسی غیرمحافظة کار و به مسائل زیست محیطی حساس است.

شاکیان این پرونده زوجی بودند که به دلیل استفاده از راند آپ در تولیدات کشاورزی، به سرطان مشابه پرونده سال ۲۰۱۸ مبتلا شده بودند. علاوه بر این مبلغ، این شرکت به پرداخت ۵۵ میلیون دلار به عنوان جبران خسارت معنوی و زیان اقتصادی به این دو نفر محکوم شد. در این پرونده نیز محور اساسی بحث این بود که استفاده کنندگان از این سم، به دلیل تبلیغ محصولات در تلویزیون، اعتماد کرده و بزه دیده شده اند. شاکیان خاطرنشان ساختند که اگر شرکت در برچسب محصولات خود، خطرهای آن را تصریح می کرد افراد از آن استفاده نمی کردند.

هم اکنون سیزده هزار پرونده در آمریکا علیه این شرکت مطرح و در نوبت رسیدگی است این در حالی است که شرکت همچنان سرطانزا بودن راند آپ را با استناد به اخذ مجوز از نهادهای مرتبط، انکار می کند.<sup>۱</sup>

اصل احتیاط که مبنای حکم دادگاه کالیفرنیا بوده، در حقوق بین الملل در کنوانسیون های مختلفی نیز پذیرفته شده است. براساس اصل ۱۵ اعلامیه ۱۹۹۲ ریو<sup>۲</sup>، «به منظور حمایت از محیط زیست، تدابیر احتیاطی باید در حد وسیعی توسط دولت ها با توجه به توانایی و ظرفیت اتخاذ شود. در حالت خطر ورود زیان شدید و جبران ناپذیر، عدم قطعیت علمی نباید بهانه ای برای به تأخیر انداختن اتخاذ تدابیر مؤثر در پیشگیری از تخریب محیط زیست گردد». در اتحادیه اروپا نیز ماده ۱۹۱ معاهده ماستریخت بر سیاست حمایت از محیط زیست در سطح عالی تأکید کرده است؛ حمایتی که بر اصل احتیاط و پیشگیری مبتنی شده است. اصل احتیاط ناظر به رفتاری است که هر شخص تصمیم گیرنده باید در برابر فعالیتی که به طور معقول قابلیت ایجاد خطر برای سلامت و امنیت نسل فعلی و آینده یا محیط زیست را دارد، در پیش گیرد [۲۴]. اصل احتیاط از ابتدا در حوزه حقوق محیط زیست مطرح شد، اما به تدریج به عرصه های دیگری از قبیل امور کشاورزی، امور پزشکی و بهداشتی و ... نیز تسری یافت. نتیجه عمل به اصل احتیاط، احتراز از خطرهای احتمالی است که ممکن است زیان های سنگین و جبران ناپذیری را به محیط زیست و حیات انسانی وارد آورد. این ایده افق جدیدی را به روی مسئولیت مدنی نیز گشوده است به نحوی که مسئولیت مدنی

1. <https://www.lci.fr/international/proces-contre-le-roundup-glyphosate-monsanto>

2. Mathilde Hautereau-Bouttonnet, RAPPORT, <http://www.gip-recherche-justice.fr/publication/etude-comparative-des-influences-du-principe-de-precaution-sur-la-responsabilite-juridique>.

سنتی با رویکرد جبران‌گر را به‌سوی مسئولیت مدنی مدرن با رویکرد پیشگیرانه سوق داده است [۵]، [۴]. در قلمرو حقوق بین‌الملل، اصل احتیاط به‌عنوان یک اصل کلی حقوق شناخته می‌شود که در حال ظهور به‌عنوان یک اصل عرفی بین‌المللی است [۱۱]. با این‌همه، درباره امکان تسری اصل احتیاط به قلمرو حقوق کیفری باید تحقیق شود، اما به نظر می‌رسد که قرار دادن دیگری در معرض یک خطر احتمالاً شدید می‌تواند مصداق بی‌احتیاطی در مفهوم کیفری تلقی شود. از این‌رو باید پذیرفت که توجه به خطر در راستای پیشگیری، امری ضروری است و بی‌احتیاطی می‌تواند با شرایطی موجب مسئولیت کیفری شود.<sup>۱</sup> بدین ترتیب ارتباط میان اصل احتیاط و مخاطرات محیطی و لزوم برنامه‌ریزی پیشگیرانه و آگاهی بخشی جامع و جهانی ضروری می‌نماید.

### نتیجه‌گیری

برخورداری همگان از سلامت و همچنین حفظ و تداوم آن از دیرباز تا کنون در زمره مهم‌ترین اهداف و آمال جامعه مدنی بین‌المللی به‌شمار می‌رفته است. یکی از راهکارهای مفید و قابل اجرا در زمینه توسعه فراگیر صلح و تأمین حمایت از سلامت عمومی، استفاده از ایده دادگاه نمادین افکار عمومی است که نخستین بار توسط فلاسفه برای پایان دادن به جنگ و برقراری صلح مطرح شد و به عالم حقوق راه یافت. تجربه موفق تشکیل این دادگاه‌ها از حدود پنجاه سال پیش با هدف مقابله با جنایات جنگی آغاز شده و در تحولات اخیر، هدف مهم دیگری مبنی بر مقابله با فعالیت‌های تهدیدآمیز نسبت به سلامت عمومی را دنبال کرده است. در نمونه اخیر، دادگاه افکار عمومی به مصونیت شرکت‌های بزرگ چندملیتی در زمینه ارتکاب فعالیت‌های زیانبار نسبت به محیط زیست و سلامت عمومی ابتدا در محضر افکار عمومی خاتمه داد و سپس، زمینه محکومیت واقعی شرکت چندملیتی مونسانتو به‌واسطه نقض حق بر سلامت را در نزد دادگاه کالیفرنیا فراهم کرد. در واقع، محکومیت واقعی شرکت مونسانتو را می‌توان برابند تکامل دادگاه نمادین افکار عمومی در طی مدت نیم قرن توصیف کرد. بر این اساس، می‌توان از ایده تشکیل دادگاه‌های نمادین افکار عمومی به‌مثابه نوعی تضمین مشترک برای تأمین صلح و سلامت عمومی، بیش از پیش حمایت کرد.

۱. ماده ۱۴۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲: تحقق جرائم غیرعمدی منوط به احراز تقصیر مرتکب است. تبصره - تقصیر اعم از بی‌احتیاطی و ... است.

## منابع

- [۱]. آل کجباف، حسین (۱۳۹۲). «مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در اسناد بین‌المللی حقوق بشر»، *فصلنامه حقوق پزشکی*، دوره ۷، ش ۲۴، ص ۱۴۰.
- [۲]. ابراهیمی، شهرام؛ و صادق‌نژاد نائینی، مجید (۱۳۹۲). «تحلیل جرم‌شناختی جرائم اقتصادی»، *پژوهش حقوق کیفری*، دوره ۲، ش ۵، ص ۱۷۴-۱۴۷.
- [۳]. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۶). *جرم‌های شرکتی*، در: نیازپور، امیرحسین (به کوشش)، *دانشنامه علوم جنایی اقتصادی*، تهران: میزان.
- [۴]. حیاتی، عباس (۱۳۹۳). «اصل احتیاط و جایگاه آن در مسئولیت مدنی»، *پژوهشنامه حقوق اسلامی*، ش ۴۰، ص ۲۰۶-۱۸۵.
- [۵]. حیدری‌فرد، محمدرئوف؛ و رضایی، ناصر (۱۳۹۶). *ضرورت توجه به مخاطرات محیطی از رهیافت امنیت ملی (با تأکید بر امنیت زیست‌محیطی)*، *الهیات و حقوق اسلامی (حقوق و محیط زیست)*، دوره دوم، ش ۱، ص ۳۸.
- [۶]. دلماس مارتی، میری (۱۳۹۳). *نظام‌های بزرگ سیاست جنایی*. ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی. چ دوم. تهران: بنیاد حقوقی میزان.
- [۷]. رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ قدیری، محمود؛ پرهیزکار، اکبر؛ و شایان، سیاوش (۱۳۸۸). *تحلیلی بر دیدگاه‌های نظری آسیب‌پذیری جامعه نسبت به مخاطرات طبیعی*، برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی)، دوره سیزدهم، شماره پیاپی ۶۰، ص ۲۹.
- [۸]. صادق‌نژاد نائینی، مجید (۱۳۹۶). «تحلیل جرائم شرکتی در پرتو نظام‌های اقتصادی»، *مجله حقوقی دادگستری*، دوره ۸۱، ش ۹۹، ص ۲۲۷-۲۰۱.
- [۹]. عباسی، محمود؛ رضایی، راحله؛ و دهقانی، غزاله (۱۳۹۳). *مفهوم و جایگاه حق بر سلامت در نظام حقوقی ایران*، *فصلنامه حقوق پزشکی*، دوره ۸، ش ۳۰، ص ۱۸۳.
- [۱۰]. فروغی، فضل‌الله و ایرانی، امیر (۱۳۹۷). «بازشناسی معیارمدار از تحولات ارکان رفتارهای مجرمانه مخاطره‌آمیز»، *فصلنامه مدیریت مخاطرات محیطی*، دوره پنجم، ش ۲.
- [۱۱]. کدخدایی، عباس (۱۳۹۷). «احتیاط در حقوق بین‌الملل: اصل عرفی یا اصل کلی حقوق»، *فصلنامه پژوهش حقوق عمومی*، ش ۵۹، ص ۶۳-۳۳.
- [۱۲]. گواهی، عبدالرحیم (۱۳۹۳). «چرا دانش مخاطرات (۲) (مخاطره‌شناسی و آینده‌پژوهی)». *فصلنامه دانش مخاطرات*، دوره ۱، ش ۲.



- [۱۳]. متقی، سمیرا؛ سیفی، آناهیتا؛ و درودیان، مجید (۱۳۹۶). «ماهیت حق بر سلامت و جایگاه دولت در تحقق آن»، *پژوهش‌نامه حقوق اسلامی*، سال هجدهم، ش ۲ (پیاپی ۴۶)، ص ۱۲۳.
- [۱۴]. مقیمی، ابراهیم (۱۳۹۴). دانش مخاطرات (برای زندگی با کیفیت بهتر)، چ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- [۱۵]. مقیمی، ابراهیم (۱۳۹۶). «چرا دانش مخاطرات (دانش مخاطرات امری فطری است)؟»، *فصلنامه مدیریت مخاطرات محیطی*، دوره ۴، ش ۱، ص ۱.
- [۱۶]. مقیمی، ابراهیم (۱۳۹۳). «چرا مخاطرات (۱)، (تعریف و ضرورت)»، *فصلنامه دانش مخاطرات*، دوره ۱، شماره ۱.
- [۱۷]. نجفی ابرندآبادی، علی حسین؛ و زارع مهرجردی، علی (۱۳۹۱). «خصوصی‌سازی عدالت کیفری: چرایی و چالش‌ها»، *مجله تحقیقات حقوقی*، ویژه‌نامه ش ۱۱، ص ۲۰۹.
- [۱۸]. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۷). سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، در: نیازپور، امیر حسن (به کوشش)، *مجموعه مقالات همایش ملی جرائم اقتصادی*، تهران: میزان، ص ۴۵۲.
- [۱۹]. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶). جهانی شدن قاچاق کالای سلامت محور جهانی شدن سیاست جنایی، در: رحمانیان، احمد و القاصی مهر، علی (به اهتمام)، *مجموعه مقالات و سخنرانی‌های نخستین همایش ملی پیشگیری از قاچاق کالای سلامت‌محور*، شیراز: انتشارات فرهنگ پارس.
- [۲۰]. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۶). جنایات بین‌المللی و جرم‌شناسی، دیباچه در: نیکوکار، حمیدرضا (به کوشش)، *جرم‌شناسی فراملی؛ به‌سوی جرم‌شناسی جنایات بین‌المللی*، تهران: میزان، ص ۲۰.
- [۲۱]. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۵). جرم‌شناسی در آغاز هزاره سوم، دیباچه در نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، *دانشنامه جرم‌شناسی*، چ چهارم، تهران: گنج دانش.
- [22]. Blaser, Arthur W. (1992). "How To Advance Human Rights Without Really Trying: An Analysis of Nongovernmental Tribunals", *Human Rights Quarterly*;14(3).
- [23]. Carpentier, Franck (2017). "Du tribunal Russel-Sartre au tribunal Monsanto: une justice fictionnelle pour penser le droit au-delà des États", *Revue française de droit constitutionnel*, 112(4).
- [24]. Deepika, Kubsad; Nilsson, Eric E.; King, Stephanie E.; Sadler-Riggelman, Ingrid; Beck, Daniel & Skinner, Michael K. (2019). "Assessment of Glyphosate

- Induced epigenetic transgenerational Inheritance of pathologies and sperm epimutations: Generational toxicology”, *Scientific Reports*, 9:6372
- [25]. Gaillard, Emilie (2011). *Génération futures et droit privé-Vers un droit des générations futures*. Coll. Bib. de droit privé, T. 527, LGDJ.
- [26]. Higgins, Polly (2015). *Eradicating Ecocide: Laws and Governance to Stop the Destruction of the Planet*. 2nd Edition. Shephard-Walwyn.
- [27]. Higgins, Polly; Short, Damien & South, Nigel (2013). “Protecting the planet: A proposal for a law of ecocide”. *Crime, Law and Social Change*. 59(3).
- [28]. Mercier, Marie (2019). RAPPORT, Au nom de la commission des lois constitutionnelles, de législation, du suffrage universel, du Règlement et d’administration générale (1) sur la proposition de loi portant reconnaissance du crime d’écocide, N° 446, SESSION ORDINAIRE DE 2018-2019.
- [29]. Neyret, Laurent (2015). *Des écocrimmes à l’écocide: Le droit pénal au secours de l’environnement*. Paris: Bruylant.
- [30]. Roets, Damien (2007). “Réflexions sur les possibles implications du principe de précaution en droit pénal de l’imprudence”, *Revue de Science Criminelle et de Droit Pénal Comparé*, Dalloz.
- [31]. Unicef. (2018) Tribunal d’opinion. Dossier pédagogique: La détention des enfants étrangers en centres fermés. [http://www.dei-belgique.be/IMG/pdf/dossier\\_pedagogique\\_unicef\\_-\\_la\\_detention\\_des\\_enfants\\_etrangers\\_en\\_centres\\_fermes.pdf](http://www.dei-belgique.be/IMG/pdf/dossier_pedagogique_unicef_-_la_detention_des_enfants_etrangers_en_centres_fermes.pdf). Accessed October 5,.